

شهید مزاری؛ عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی



□ محمد علی جعفری
بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

چکیده

در این نوشتار، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی از دیدگاه شهید وحدت ملی مورد تحلیل قرار گرفته است. شهید مزاری مبتکر عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در افغانستان بود و بر این ایده خود باور و اعتقاد راسخ داشت و آن را به طور جدی به معنای واقعی کلمه بین اقوام و مذاهب افغانستان پیگیری کرد تا آخرین لحظات حیاتش پای آن ایستاد. عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی با استناد به سخنان شهید مزاری در افغانستان وقت به وجود می آید که تمام اقوام کشور در تصمیم گیری های کلان حکومتی و سرنوشت ساز مشارکت داشته باشند. رعایت حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی سبب ثبات، صلح، آرامش و دوام حکومت هاست.

در این مقاله به برخی از حقوق شهروندی پرداخته شده است:

۱. حق مشارکت سیاسی؛
۲. حق تأمین رفاه و توزیع عادلانه خدمات توسط دولت؛
۳. حق امنیت.

کلیدواژه ها: عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی، رفاه، امنیت، اقوام، افغانستان، شهید مزاری، مشارکت

برای ثبات دائم و پایدار در یک کشور، رعایت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی تمام اقوام ساکن آن کشور در ساختار سیاسی و اداری کشور ضروری است. وجود عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی در امور سیاسی باعث همبستگی بین اقوام و سبب دفاع از تمامیت ارضی آن کشور به حساب می‌آید.

از دیدگاه شهید مزاری رعایت عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی اقتضا می‌کند کسانی که روی وحدت ملی افغانستان فکر می‌کند باید با واقعیت عینی جامعه برخورد بکند و تمام جریان‌های سیاسی و اقوام و ملیت‌ها را در نظر بگیرد. (ضیایی، ۲۰۰۹: ۳۱) عدالت اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی همه اقوام در کشور نفی انحصار قدرت و برتری قوم بر قوم دیگر، برادری و برابری اقوام کشور است. شهید مزاری می‌گوید: «ما حقوق همه اقوام و ملیت‌ها را می‌خواهیم. حقوق ملیت‌ها به معنای برابری و برادری اقوام و ملیت‌ها است» (همان، ۳۱). نمی‌توان درباره وضعیت سیاسی یک کشور سخن گفت، ولی عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی تمام اقوام و مذاهب را به اندازه حضور فیزیکی و جمعیتی‌شان در اداره آن کشور نادیده گرفت. اگر عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی اقوام کشور در امور سیاسی و تصمیم‌گیری در نظر گرفته نشوند، هیچ وقت اقوام ساکن آن کشور تعلق خاطر و دلبستگی به آن را نخواهند داشت.

برای رسیدن به دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی همه اقوام در ساختار سیاسی قدرت لازم و ضروری است تا زمینه همگرایی و وحدت ملی در قالب ملت واحد به وجود آید. وحدت ملی در کشوری کثیرالاقوام مثل افغانستان وقتی تحقق پیدا می‌کند که عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی همه اقوام در آن لحاظ شود و در اداره سیاسی کشور مشارکت داشته باشند. شهید مزاری از طراحان اصلی عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی اقوام در قدرت و اداره سیاسی کشور بود. شهید مزاری طی مصاحبه‌ای می‌گوید: «ما حقوق همه مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه‌های جهادی می‌خواهیم... هر ملیتی به تناسب

واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهم داشته باشند» (غفاری، ۱۳۷۹: ۴۵).
در این مقاله روی دو موضوع بسیار حیاتی و مهم، یعنی عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی از دیدگاه شهید مزاری بحث می‌شود:

۱. عدالت اجتماعی

تعریف آن به نحو اختصار: عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در ساحت اجتماع است. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و جایگاه هر کس بنا بر استحقاق و استعداد او تعیین می‌شود» (بیات، ۱۳۸۶: ۳۷۶).

به جرئت می‌توان گفت شهید مزاری معمار عدالت اجتماعی در کشور افغانستان بود. شهید مزاری برای اولین بار مقوله‌های جدیدی چون عدالت اجتماعی، برابری اجتماعی و سیاسی را وارد ادبیات سیاسی کشور کرد. بدون تردید یکی از اساسی‌ترین حقوق شهروندی و یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، برخورداری از عدالت اجتماعی است و عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین اصل‌های نظام مردم‌سالاری به شمار می‌رود.

شهید مزاری برای تحقق عدالت اجتماعی تا آخرین لحظات حیات پربار خود لحظه‌ای از تلاش در تحقق عدالت اجتماعی دریغ نکرد. ایشان عدالت اجتماعی را برای تمام اقوام کشور می‌خواست و برای تشکیل یک حکومت فراگیر، عدالت اجتماعی را ضروری می‌دانست. در این باره می‌گوید: «هدف ما تشکیل حکومت اسلامی، مردمی فراگیر و مبتنی بر عدالت اجتماعی در افغانستان است... خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان است» (ضیایی، ۳۲).

شهید مزاری معتقد بود تا زمانی که عدالت اجتماعی در جامعه افغانستان تأمین نشود، رسیدن به وفاق ملی و اتحاد امکان ندارد. شهید وحدت ملی، تأمین عدالت اجتماعی را زیربنای رسیدن به یک ملت واحد می‌دانست و از آن هم دفاع می‌کرد و بارها به طور شفاف و روشن اعلام کرد: «حزب

وحدت از هر طریقی که منجر به عدالت اجتماعی در جامعه افغانستان شود و حقوق ملیت‌های محروم را اعاده کند، استقبال می‌کند» (منشور برادری، ۱۳۷۹: ۳۷۴).

در اندیشه شهید مزاری عدالت اجتماعی تنها برای مردم هزاره نبود؛ بلکه برای همه اقوام کشور بود.

چنان‌که محمد اشرف غنی رئیس جمهوری افغانستان می‌گوید: «تأمین عدالت اجتماعی، عدالت برای همه از اساسی‌ترین اندیشه‌های شهید مزاری به شمار می‌رود» (سخرانی رییس جمهور به مناسبت سالگرد شهید مزاری). برای تأمین عدالت اجتماعی بر نظامی نیاز است که برخاسته از اراده عموم مردم اعم از مرد و زن باشد و اراده همه اقوام کشور را تمثیل کند.

شهید مزاری عدالت اجتماعی را در کشور یک اصل می‌دانست و باور داشت تا زمانی که عدالت اجتماعی به وجود نیاید و تمامی شهروندان کشور از حقوق مساوی و برابر برخوردار نشوند، نزاع‌ها، مشکلات سیاسی و اجتماعی در افغانستان حل نخواهد شد.

شهید مزاری عدالت اجتماعی را نه به عنوان یک هدف بلکه به عنوان یک معیار برای ارزیابی و سنجش پندارها و گفتارها دنبال می‌کرد. ایشان معتقد بود که تعیین واحدهای اداری گذشته افغانستان ظالمانه و برخلاف عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی بوده است؛ از این رو، می‌گفت باید واحدهای اداری به طور عادلانه و بر اساس جمعیت تغییر کند» (ضیایی، ۲۰۰۹: ۲۲۰).

رسیدن به عدالت اجتماعی از دید شهید وحدت ملی به معنی حضور تمام اقوام ساکن کشور در تمام تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و از بین رفتن فاصله میان وعده‌های داده شده توسط دولت‌ها و کارهای انجام داده شده است.

۲. حقوق شهروندی

انسان در هر جامعه‌ای که زندگی می‌کند به عنوان شهروند آن جامعه دارای حقوقی است که رعایت آن توسط هم‌نوعان و سیستم حکومتی حاکم بر آن جامعه، امری الزامی و

انکارناپذیر است.

به طور کلی حقوق شهروندی را می‌توان به مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه شهری تعریف کرد. حقوق شهروندی جزء حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است. همچنین این حقوق غیرقابل انتقال و تجزیه‌ناپذیر است، به این صورت که عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگرند.

نکته قابل توجه این است که حقوق شهروندی به افرادی تعلق می‌یابد که «تابعیت» یک کشور را داشته باشند. همچنین باید افزود که حقوق شهروندی، به اتباع یک کشور فارغ از رنگ، قومیت، نژاد، دین و طبقه‌شان تعلق می‌یابد. حقوق شهروندی وقتی تحقق پیدا می‌کند که تمام افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی، سیاسی و فرهنگی برخوردار باشند و شهروندان نیز به عنوان اعضای آن جامعه مسئولیت‌هایی را در راستای اداره بهتر و ایجاد نظم عهده‌دار شوند. بدیهی است شناخت این حقوق متقابل در ارتقای حقوق شهروندی و ایجاد جامعه سالم مبتنی بر نظم و عدالت، نقش مؤثری دارد.

حقوق شهروندی اقسام متعددی دارد که به بعضی آنان اشاره می‌شود.

الف: حق مشارکت سیاسی شهروندان

مفهوم مشارکت سیاسی به این معنی است که تمام مردم و اقوام ساکن آن کشور باید در امور کلی جامعه، سیاست، حکومت و مدیریت نظام سیاسی نقش مستقیم داشته باشند. به عبارت دیگر آن چه مهم است این است که در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های اساسی و سرنوشت‌ساز جامعه و کشور در همه ابعاد، اقوام و مردم به دور از تبعیض‌های قومی و مذهبی نقش مؤثر و حضور فعال و دخالت مستقیم داشته باشند» (علی‌خانی، ۱۳۷۷: ۲۱). حکومت سالم، جامع و درست حکومتی است که تمام شهروندان از اقوام و مذاهب به طور کل ائتلاف مختلف جامعه در آن مشارکت مؤثر و حضور فعال در تصمیم‌گیری‌های سیاسی داشته باشند، نسبت به آن حکومت احساس تعلق کنند.

شهید وحدت ملی در مورد مشارکت تمام اقوام در

سرنوشت سیاسی‌شان می‌گوید: «حزب وحدت اسلامی برای ملیت‌های محروم کشور، سهم مساوی در تصمیم‌گیری‌ها می‌خواهد؛ چون انقلاب اسلامی مال همه بوده است و همه اقشار مردم در انقلاب شرکت داشتند، در تصمیم‌گیری هم طبق نفوس‌شان شرکت داشته باشند» (ضیایی، ۲۰۰۹: ۳۲).

رعایت حق مشارکت مردم در امور سیاسی کشور نقش اساسی در صلح، آرامش، استحکام و تداوم حکومت آن کشور دارد. حکومت مردمی و دوامدار حکومتی است که حق مشارکت مردمش را در ساختار سیاسی در نظر گرفته باشد.

از نظر شهید مزاری حقوق شهروندی از جمله حق مشارکت در امور مملکت وقتی تحقق پیدا میکند که همه اقوام کشور به اندازه نفوس‌شان در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی حضور و مشارکت داشته باشند. شهید مزاری با صراحت تمام می‌گوید: «اگر حقوق شهروندی تمام اقوام و ملیت‌های مسلمان کشور افغانستان تأمین نشود، مشکل افغانستان و اختلافات سیاسی حل نمی‌شود و تنها با تفاهم و احترام به حقوق یکدیگر می‌توان بحران کنونی را مهار کرد» (همان، ۳۶).

مشارکت دادن مردم به معنای به وجود آوردن فضای باز سیاسی، مذهبی و آزادی عقیده و بیان است که جزء عناصر اصلی توسعه سیاسی یک کشور به شمار می‌رود. در افغانستان استفاده از حق مشارکت مردم در سرنوشت مشترک‌شان باعث ثبات آن می‌شود. مطالبه حقوق شهروندی مشروع از طرف یک قوم و مذهبی به منزله دشمنی با سایر اقوام و یا تجزیه کشور نیست و این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشند» (همان، ۳۳). حق طبیعی هر شهروند است که در مسائل سیاسی انتخاب کردن و انتخاب شدن آزادانه شرکت کند. شهید وحدت ملی راه حل مسئله افغانستان را انتخابات آزاد می‌دانست که باید مرد و زن در انتخابات شرکت داشته باشند و سرنوشت‌شان را تعیین کنند» (همان، ۳۲).

مشارکت دادن اقوام در حکومت‌های پیشین افغانستان وجود نداشت و حقوق اقلیت‌های قومی در نظر گرفته نمی‌شد و از تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور کنار گذاشته

شده بودند و در میان قوم حاکم هم عده بسیار اندک، تصمیم‌گیرنده اصلی در امور حکومت‌داری بودند. از بین اقوام ساکن کشور بعد از قوم ازبک محروم‌ترین قوم، هزاره‌ها بودند که از حقوق سیاسی شهروندی‌شان به طور کلی محروم بودند و حکومت‌های گذشته از مشارکت آنان در امور حکومتی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی جلوگیری می‌کردند. همزمان با اخراج نیروهای شوروی سابق از افغانستان، آغاز رایزنی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها میان گروه‌ها و طرف‌های درگیر برای تشکیل دولت جدید و تعیین آینده سیاسی کشور هزاره‌ها نیز در قالب حزب وحدت به رهبری شهید مزاری گردهم آمدند تا در آینده سیاسی کشور مشارکت داشته باشند.

بعد از پیروزی مجاهدین انتظار می‌رفت که تبعیض قومی و مذهبی هم از بین برود و همه اقوام ساکن در این کشور در مسائل سیاسی و حکومت‌داری به اندازه حضور و نفوس‌شان مشارکت داشته باشند و یک حکومت فراگیر و با دوام که حقوق همه اقوام و مذاهب در آن رعایت شود به وجود بیاید.

از رهبران مجاهدین تنها شهید مزاری مشارکت اقوام در قدرت سیاسی را مطرح کرد و او تنها معمار این ایده شناخته شده است؛ چون که شهید مزاری حقوق شهروندی و مشارکت سیاسی را تنها به عنوان یک شعار و خواست کلی روشن‌فکرانه مطرح نکرد؛ بلکه او مشارکت اقوام را در مسائل سیاسی یک راه‌حلی اساسی و بنیادی می‌دانست و به مشارکت واقعی اقوام به تناسب جمعیت‌شان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایمان داشت. در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «حزب وحدت برای ملیت‌های محروم کشور سهم مساوی در تصمیم‌گیری‌ها می‌خواهد» (ضیایی، ۲۰۰۹: ۳۳ و ۲۳۲).

متأسفانه در همان روزهای اول پیروزی مجاهدین و تشکیل حکومت دو قوم بزرگ کشور، ازبک‌ها و هزاره‌ها کنار گذاشته شدند و حقوق‌شان را از مشارکت سیاسی به طور کلی نادیده گرفتند و در واقع باز همان رویه حکومت‌های سابق را ادامه دادند و از مشارکت اقوام به خصوص شیعیان و هزاره‌ها در حکومت مجاهدین جلوگیری کردند؛ ولی در همان زمان شهید مزاری از حقوق شهروندی و مشارکت عادلانه تمام اقوام

در اداره کشور سخن می‌گفت: «هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهمی باشد و این مربوط به یک ملیت خاصی نیست. ما می‌خواهیم همه اقوام همان‌گونه که در جهاد سهم داشتند باید در آینده این مملکت هم سهم داشته باشند» (همان، ۳۳). شهید مزاری مشارکت اقوام کشور را در ساختار سیاسی و در امور سیاسی در حال مطرح کردن که دیگران به فکر انحصار قدرت توسط قوم خودش بود هرکه را مانع انحصار قدرت‌شان می‌دیدند درصدد نابودی‌شان برمی‌آمدند و به دشمنی بین اقوام کشور دامن می‌زدند؛ اما شهید مزاری می‌گفت: «دشمنی ملیت‌ها در افغانستان فاجعه بزرگی است و ایشان افغانستان را خانه مشترک تمام اقوام با هم برادر می‌دانست و در این خانه همه اقوام ساکن حق دارند حق خواهی و مشارکت در امور سیاسی کشور برادری است نه دشمنی» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴: ۸۷). عدم توجه قدرت‌طلبان به توصیه‌های شهید مزاری سبب شکست، ذلت و خواری خودشان نیز شد.

بعد از آن‌که طالبان قدرت را در کابل به دست گرفت نه تنها هزاره و شیعیان را در سیاست و حکومت مشارکت ندادند که تقریباً حق حیات و زندگی را از آنان سلب کردند و تا زمان سقوط حکومت طالبان این روش حق‌کشی ظالمانه به شدت تمام اعمال می‌شد. بعد از سقوط حکومت طالبان که ۱۳۹۴

حقوق شهروندی و مشارکت همه اقوام به خصوص شیعیان و هزاره‌ها تا حدی فراهم شد؛ ولی متأسفانه باز حق مشارکت به معنای واقعی برای مردم و قوم هزاره در ادارات حکومتی لحاظ نشد و طبق آمار که در بیرون داده شده است مشارکت قوم هزاره در حکومت و مناصب دولتی خیلی کمتر از حق‌شان است. در تمام انتخابات که تا به حال در افغانستان برگزار شده است، بالاترین میزان مشارکت و رأی را این مردم داشتند و مردم هزاره و شیعیان افغانستان نقشی سرنوشت‌ساز و کلیدی را در انتخابات بازی کرده‌اند؛ اما بعد از اتمام انتخابات حق این مردم از مشارکت در اداره کشور، تقسیم قدرت و سهم‌گیری نادیده گرفته به فراموشی سپرده می‌شود و مثل حکومت‌های سابق، هزاره‌ها از حق طبیعی‌شان نسبت به

تصمیم‌گیری‌های کلان و سرنوشت‌ساز، اساسی و سیاسی در اداره کشور محروم و کنار گذاشته شده‌اند و به حق واقعی‌شان نرسیده‌اند.

ب: حق تأمین رفاه و توزیع خدمات بین شهروندان توسط نظام

این حق از حقوق طبیعی و بسیار مهم شهروندان است. در این‌که از دیر زمان از وظایف حکومت تأمین رفاه به عبارت دیگر توزیع درست و عادلانه خدمات بوده است جای هیچ شکی نیست چنان‌که گفته شده است: «دولت برای زیستن به وجود می‌آید و برای خوب زیستن ادامه می‌یابد» (عالم، ۱۳۷۶: ۳۷۵).

حداقل خدماتی که دولت و نظام سیاسی برای شهروندان کشور خود می‌توانند فراهم کنند عبارت است از:

۱. بهبود بهداشت عمومی؛
۲. گسترش آموزش و پرورش؛
۳. تأمین امنیت اقتصادی، مالی، شغلی، بازار و سرمایه؛
۴. تأمین و سامان دادن به خدمات عمومی راه‌ها، ارتباطات و...

«به جرئت می‌توان گفت در طول تاریخ افغانستان، حکومت‌های گذشته حداقل سطح زندگی را برای شیعیان و هزاره‌های این کشور تأمین نکرده‌اند. نه تنها آموزش را در مناطق شیعه و هزاره‌نشین گسترش نداده‌اند که تا سال ۱۳۳۰ خورشیدی ۱۹۵۱ میلادی در اکثر مناطق هزارستان دبستان و دبیرستان نبود» (مقصودی، ۱۳۶۸: ۵۰). شهید مزاری از ظلم حکومت‌های گذشته به تلخی یاد می‌کند: «در گذشته مردم ما از یک محرومیت تاریخی رنج می‌برده و در تمام زمینه‌های سیاسی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی بر آن‌ها ستم روا داشته شده است» (ضیایی، ۲۰۰۹: ۲۲۰). شیعیان و هزاره‌ها از امنیت شغلی و سرمایه‌گذاری نیز برخوردار نبودند و از بهبود بهداشت و ساختن راه‌های ارتباطی برای آنان مانع می‌شد، حتی اجرای پروژه مهم شاهراه کابل - بامیان - هرات که به نفع اقتصاد کشور بود به خاطر عبور آن از هزاره‌جات متوقف مانده بود؛ اما خوشبختانه در دوره حکومت وحدت

منابع

۱. احیای هویت (۱۳۷۴)، قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.
۲. غفاری، عبدالله، (۱۳۷۴)، فریاد عدالت، قم: موسسه شهید سجادی.
۳. ضیایی، رضا، (۲۰۰۹)، چراغ راه (سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و پیام‌های رهبر شهید بابه مزاری، ناشر بنیاد رهبر شهید مزاری، نمایندگی اروپا).
۴. منشور برادری (مجموعه سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های استاد مزاری) (۱۳۷۹)، قم: (بی‌نا).
۵. علی‌خانی، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی، مجموعه مقالات، تهران: نشر سفیر.
۶. عالم، عبدالرحمان، (۱۳۷۵)، بنیادهای علم و سیاست، تهران: نشر نی.
۷. مقصودی، عبدالحسین، (۱۳۶۸)، هزاره‌جات سرزمین محرومان، (بی‌نا)، پاکستان.
۸. بیات، عبدالرسول، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌ها، قم: اندیشه و فرهنگ دینی.

ملی گام‌های ارزشمندی در جهت به ثمر رساندن پروژه‌های ملی از جمله سرک مهم شاهراه کابل - بامیان - هرات برداشته شده است و امید است به زودی به بهره‌برداری برسد.

ج: حق امنیت شهروندان

تأمین امنیت در تمام زمینه‌ها از حقوق مسلم بین‌المللی شهروندان توسط حکومت است که باید شهروندان در کشور محل زندگی‌شان امنیت مالی و جانی داشته باشند. در نظام سیاسی، امنیت چتری است که باید همهٔ آحاد و اقشار جامعه از سایهٔ آن بهره‌مند باشند.

شهید مزاری در مورد تأمین امنیت شهروندان می‌گوید: «امنیت وقتی به وجود می‌آید که همهٔ اقوام و احزاب در تشکیلات امنیتی حضور داشته باشند. اگر حوزه‌های امنیتی وزارت داخله، دفاع و امنیت از همهٔ اقوام و احزاب نباشند امنیت تأمین نمی‌شود» (ضیایی، ۲۰۰۹: ۳۳). دولت افغانستان با مشارکت دادن همهٔ اقوام ساکن در کشور در سکتورهای امنیتی می‌تواند ضعف‌های که در این زمینه وجود دارد برطرف نماید.